



سلفی‌گری از اندیشه تا عمل

جریان شناسی سلفی‌ها



علیرضا سخاخواه

پیش از قیام‌های عربی بسیاری از سلفی‌ها دموکراسی را مغایر با اسلام می‌دانستند؛ شیوه اداره حکومت و قانون‌گذاری بر اساس اصول پارلمانتاریسم را مخالف حاکمیت خداوند می‌پنداشتند، در نگاه ایشان تحزب به معنی انشقاق در جامعه مسلمین بود لذا امر دود بود؛ علاوه بر این موارد هر گونه حکومتی غیر از حکومت اسلام نامشروع و در نتیجه همکاری با آن حرام بود. با این حال به دنبال موج عظیم بیداری اسلامی در دو سال گذشته، منطقه خاور میانه شاهد شکل‌گیری احزاب سلفی در مصر، تونس، یمن، لیبی و حتی مراکش و فلسطین است. در مصر حزب سلفی نور حدود ۲۰ درصد کرسی‌های پارلمان را در اختیار دارد و این احزاب در تونس و لیبی از وزن سیاسی قابل توجهی برخوردار شده‌اند.

هر چند احیای سلفی‌های سیاسی در خاور میانه و نزدیکی ایشان به ساخت قدرت پدیده‌ای نو برای تحلیل‌گران محسوب می‌شود با این حال واقعیت این است که نه تنها سلفی‌گری به عنوان یک جنبش اجتماعی و دینی از سابقه‌ای چند صد ساله برخوردار است بلکه به عنوان یک رویکرد سیاسی نیز سابقه‌ای بیش از این در خاور میانه دارد. به عنوان نمونه در اوایل دهه هشتاد میلادی سلفی‌های کویت که نگران توفیق اخوانی‌ها از یک سو و جریان‌های لیبرال از سوی دیگر بودند با چراغ سبز علمای وهابی در عربستان اقدام به ایجاد حزب و فعالیت سیاسی در پارلمان کویت نمودند. پیروزی جبهه نجات اسلامی در الجزایر در دهه ۹۰ میلادی که با کودتای طراح‌ی شده فرانسه مواجه شد نیز نمونه دیگری از حیات سابقه دار جریان‌های سیاسی سلفی می‌باشد. در کنار سابقه سلفی‌گری در عرصه سیاسی خاور میانه حقیقت دیگری که بایستی بر آن تأکید کرد، فعالیت گروه‌های متعددی است که تحت عنوان عام "سلفی خود را معرفی می‌کنند و بعضاً دارای اختلاف نظرهای حادی نیز هستند. از همین رو است که تحلیل‌گران بر لزوم تفکیک میان گرایش‌های مختلف سلفی در بررسی این جنبش سیاسی اجتماعی تأکید دارند.

"امل بویکر" تحلیل‌گر اندیشکده کارنگی در یک تقسیم‌بندی که بیشتر بر عملکرد گروه‌های سلفی متمرکز است؛ جریان‌های سلفی را به سه گروه سلفی سیاسی، سلفی جهادی و جنبش دعوت سلفی تقسیم می‌کند. وی معتقد است جریان سلفی سیاسی جریانی است که قواعد بازی دموکراتیک را برای دستیابی به قدرت پذیرفته است. این گروه چه به صورت فردی یا حزبی بارها در انتخابات پارلمان و یا انتخابات محلی شرکت کرده و وارد ساخت قدرت شده‌اند. حزب النور در مصر و جبهه

نجات الجزایر دو نمونه از جریانات سلفی سیاسی می‌باشند. گروه دوم موسوم به سلفی‌های جهادی هستند که هر حکومتی غیر از حکومت اسلام را رد کرده و راه دستیابی به قدرت را در جهاد می‌بینند. این گروه‌ها معمولاً تنها خود را مسلمان واقعی می‌پندارند و به راحتی برای افراد دیگر حکم ارتداد و تکفیر صادر می‌کنند. با این حال شاید بتوان ادعا کرد که جدی‌ترین اختلاف ایشان با سلفی‌های سیاسی در شیوه دست‌یابی به اهداف می‌باشد. سلفی‌های سیاسی معتقدند برپایی حکومت اسلامی از طریق فعالیت سیاسی و دست‌یابی دموکراتیک به قدرت و مجلس قانون‌گذاری ممکن است در حالی که شیوه‌ای که سلفی‌های جهادی در پیش گرفته‌اند بر جهاد و مبارزه مسلحانه متکی است. گروه سوم هم جریان موسوم به دعوت سلفی می‌باشد که به شدت تحت تأثیر علمای عربستان هستند. حضور در عرصه سیاسی را رد می‌کنند. عرصه فعالیت ایشان مساجد است. اطاعت از حاکم ظالم را در غیر معصیت نه تنها جایز بلکه واجب می‌دانند و قیام علیه ایشان را در غیر کفر آشکار حرام می‌دانند. در مبالغه در تکفیر و ناسازگاری با غیر مسلمانان از دیگر فرقه‌های اسلامی تشدد بیشتری دارند. شناخت آن‌ها به نسبت دنیای جدید و سازوکارهای آن بسیار کم است. این در حالی است که در یک تقسیم‌بندی دیگر که بیشتر حوزه اندیشه گروه‌های سلفی را مورد توجه قرار داده است، سلفی‌گری به چهار گرایش عمده تقسیم می‌شود؛

۱- گرایش سلفی اصیل

۲- گرایش سلفی میانه‌رو

۳- گرایش سلفی آلبانی

۴- گرایش سلفی سیاسی و جهادی

گرایش سلفی درباری

سلفی‌های درباری گروهی از علمای وهابی هستند که دفاع از چهار چوب و شاکله اصلی افکار محمدابن عبدالوهاب را وظیفه

سلفی‌های جهادی هر حکومتی غیر از حکومت اسلام را رد کرده و راه دستیابی به قدرت را در جهاد می‌بینند. این گروه‌ها معمولاً تنها خود را مسلمان واقعی می‌پندارند و به راحتی برای افراد دیگر حکم ارتداد و تکفیر صادر می‌کنند

اصلی خود دانسته و مسائلی چون انحصار دعا و استعانت و عبادت برای خدا و نفی بدعت‌ها و ترویج نظرات علمای قرنهای اول و دوم و سوم و تابعین شان را به صورت تکراری و کلیشه‌ای در کتاب‌ها و منابر و ایستگاه‌های رسانه‌ای بازگویی نمایند بیشتر علمای رسمی عربستان سعودی آنها که در دارالبحوث و الافتا گردآمده‌اند همین نوع تفکر را دارای باشند آنها کسی که این الگوی فکری را دارند و کتابهایشان تا حدی پخش شده است به قرار ذیل می‌باشند: مفتی سابق سعودی عبدالعزیز بن عبدالله ابن باز، شیخ سلیمان تمیمی، محمد صالح عثیمین، ابوبکر جابر الجزایری و محمد امین شنفیطی، جمیل زینو، شیخ ربیع مدخلی استاد جرح و تعدیل که همگی از متأخرین و معاصرین می‌باشند. به طور کلی این نخله از سلفیه که بیشترین مبلغین و «دعاة سلفیه» را در سطح جهانی و به خصوص در دانشگاه‌های پُر امکانات سعودی پوشش می‌دهند غالباً وارد مسائل سیاسی و اجتماعی و حتی مسائل مستحدث فقهی نیز نمی‌شوند در اعتقادات هم به همان تحقیقات محمدابن عبدالوهاب و سلف دانشمندش این تمیّه اکتفا می‌نمایند در مسائل سیاسی و اجتماعی صاحب مکتب خاصی نیستند در عربستان سعودی یک طبقه راجال مذهبی مرتبط با حکومت را تشکیل می‌دهند و به همکاری سلطان و مفتی مانند دوران گذشته تمدن اسلامی علاقه مند هستند برخی از علمای دون پایه تر آنها مانند جمیل زینودر نوشته‌هایشان تندروی خاصی دارند. می‌توان آن‌ها را سلفیه فکری اعتقادی هم نام نهاد چون وارد تفصیلات فکر و فقه اسلامی و مسائل روز و سیاست نمی‌شوند.

گرایش سلفی میانه‌رو

سلفی‌های میانه‌رو گروهی هستند که از بدو پیدایش نهضت سلفیه به افکار و نخله‌های دیگر اسلامی هم نظر داشته‌اند در میان علمای قدیم سلفیه می‌توان به شیخ محمد غریب و عثمان بن منصور اشاره کرد و در میان متأخرین سلفی نیز نمونه‌های زیادی وجود دارد که به اصول قطعی و هسته اصلی سلفیت باور دارند ولی به برداشتهای دیگر هم احترام می‌گذارند و از آثار دیگران هم استفاده می‌نمایند و احیاناً با فرقه‌های دیگر اسلامی همدردی و همراهی نیز می‌کنند آنها در رابطه با دیگران مانند همه وحدت خواهان بر نقاط اشتراک بیشتر تأکید می‌نمایند و به اصلی‌ترین اصول سلفیت اکتفا می‌نمایند. مؤسسه "رابطة العالم الاسلامی" که سازمانی بین المللی در

ویژه نامه نوروزی

روزنامه خراسان

فروردین ۱۳۹۲

۱۳۹۲